

بسیج و سیر تحول در انقلاب اسلامی، نوآوری و شکوفایی

نویسنده: دکتر رضا کلهر*

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۳۸ بهار ۱۳۸۷

چکیده

بی شک بسیج پدیده‌ای اجتماعی است که از انقلاب اسلامی ریشه گرفته و به سرعت به ریشه گرفتن تفکر اسلامی کمک شایانی کرده است. این یادگار امام راحل (ره) در طول سه دهه گذشته نقش بسزا ایفا کرده و در معادلات استراتژیک کشور، منطقه و جهان به عنوان متغیری مؤثر عمل کرده است. نگاه به این پدیده به عنوان یکی از مصادیق سرمایه اجتماعی در بستر سیر تحولی انقلاب اسلامی و نقش دو عنصر تحول‌زا؛ یعنی ارتقا به بسیج دهها میلیونی و وارد کردن عنصر نوآوری در آن و بررسی تعامل این عناصر با یکدیگر، موضوع اصلی این نوشتار را شکل می‌دهد. نگارنده در پی آن است که با شکافتن این مفاهیم و ارائه درک مناسبی از این عناصر و باز تعریف آنها از نگاه مقام معظم رهبری، تأثیرگذاری این دو محور را در ساختار تفکر انقلاب اسلامی بررسی کرده و استنتاجات و پیامدهای آن را حتی المقذور تصویر نماید.

واژگان کلیدی:

بسیج، بسیج دهها میلیونی، سرمایه اجتماعی، نوآوری و شکوفایی.

* . عضو هیئت علمی دانشگاه

مقدمه

پدیده‌های اجتماعی دارای پیچیدگی‌های فراوانی هستند که تحلیل آنها را با مشکل مواجه می‌سازند. بسیاری از این پدیده‌ها ناشی از یک حرکت اجتماعی هستند، اما برخی از آنها خود منشأ حرکت‌های بزرگ اجتماعی می‌گردند. به وجود آمدن بسیج با فرمان تاریخی حضرت امام(ره) یکی از این پدیده‌هاست که از یک سو ناشی از حرکت انقلاب اسلامی و از سوی دیگر، منشأ حرکت‌های بزرگ در سه دهه گذشته بوده است.

بدون شک تحلیل و ارزیابی چنین پدیده‌ای کار آسانی نیست. وجود اقشار گوناگون اجتماعی در این حرکت و بالاترین حد ایثار و از خودگذشتگی در آن - به ویژه در نسل جوان مشارکت کننده در آن - و بسیاری دیگر از ویژگی‌های خاص، نشانگر آن است که در عین سادگی و شفافیت این پدیده، رموزی وجود دارد که بر پیچیدگی‌های آن می‌افزاید و شاید همین امر باعث شده است که تحلیل چنین پدیده‌ای برای غریبان نیز امری دشوار باشد.

دو تحول اخیر در بسیج که هر دو ناشی از بازکردن افق‌های نوین توسط مقام معظم رهبری است، از یک سو نیازمند بررسی و پژوهش عمیق‌تر است و از سوی دیگر، ضرورت شناخت تحولات نوین و متناسب میان بسیج با این تحولات را صدچندان می‌کند. در این مختصر برآن نیستیم که تمامی زوایای این دو تحول را شکافته و باز تعریف کنیم، ولی می‌توان گفت گسترش بسیج به بسیج دهها میلیونی و نوآوری و شکوفایی، دو تحول جدی است که می‌تواند افق‌های بسیار جدیدی را در برابر چشمان مسئولان اداره کننده این نهاد اجتماعی باز کند. از این رو تلاش می‌کنیم تا آنجا که مقدور است نخست این دو مفهوم را بازشناسی و سپس تناسب‌های نوین به وجود آمده از این دو تحول را بازنمایی و باز تعریف کنیم.

سیر تحول در انقلاب اسلامی

روشن است که هر نهضتی از آغاز حرکت، افقی را برای چشم انداز خود تبیین می‌کند. هرچند نخستین مرحله از نهضت اسلامی ما از میان برداشتن نظام سلطنتی در ایران بود،

ولی به خوبی روشن است که این مرحله تنها بسترساز حرکت اصلی انقلاب؛ یعنی به وجود آوردن یک مبنای اساسی و جدی برای پایه گذاری حرکتی فکری و مبنایی در جهت ایجاد انقلاب فکری در جهان بوده است. این امر به معنای صدور یک فکر یا مکتب به اجبار و اکراه و خشونت نبوده و نیست، بلکه به معنای اعتقاد بر این امر است که در صورت درخشیدن تفکر انقلاب اسلامی و تابش آن بر قلبهای پاک مردمان جهان، گرایش به این تفکر آنچنان فراگیر خواهد شد که بدون بروز هیچ گونه خشونتی، جهان به سوی این هدف حق طلبانه حرکت خواهد کرد.

بدیهی است که تحقق این هدف بدون ایجاد یک سامانه و سیستم، امکان پذیر نیست. از این رو، ضرورت تشکیل نوعی حکومت به عنوان پشتوانه فکری و مبنایی و یک مدل فکری برای افکار عمومی و عاملی برای احقاق حق و از میان بردن باطل، انکارناپذیر است. لذا، مرحله نخست که مرحله پایه ای در پیگیری چنین هدفی بوده؛ یعنی انقلاب اسلامی، با تمامی لوازم آن در سال ۱۳۵۷ پس از پانزده سال حرکت و جنبش و به وجود آمدن نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به بار نشست و تحقق پذیرفت. اما این تنها مرحله اول بود؛ برای تعقیب اهداف بزرگ تر باید به سوی ایجاد یک سامانه اساسی حرکت می کردیم. از این رو، «نظام اسلامی» به عنوان هندسه فکری و ساختاری تفکر انقلاب اسلامی با تدوین و تصویب قانون اساسی و تسجیل رسمی نظام اسلامی بر مبنای اصل «ولایت فقیه» و شکل گیری جمهوریت اسلامی بر مبنای پذیرش مردمی شکل گرفت.

به طور طبیعی این ساختار با پشتوانه مردمی خود برای اجرای احکام اسلامی و اداره کردن حکومت و جامعه براساس تفکر اسلامی باید شکل حکومتی بر خود می گرفت که چنین نیز شد و جمهوری اسلامی محقق گردید. اما این بدان معنی نبود که ما تنها برای نجات خود از ظلم دوران پهلوی، انقلاب و نظام را شکل دادیم، بلکه شکل گیری این نظام براساس تحقق هدف بزرگ تری بوده که همانا ایجاد یک تفکر مکتبی و مبارزه جهانی با ظلم است. همان طور که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند:

«مسئولان باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه

شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند». (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۱۰۸)

این هدفگذاری نشان دهنده آن است که شکل گیری نظام اسلامی و حتی دولت اسلامی که مرحله پس از آن است، به سبب و بهانه هدفی بزرگ تر؛ یعنی حکومت جهانی اسلام، پایه ریزی شده و جهت گیری به سوی چشم انداز وسیع و فراگیرتری است. لذا نباید اکتفا به این مراحل ما را از رساندن انقلاب اسلامی به هدف اصلی خود بازدارد. از این رو، نهادها و یا سامانه‌هایی که در نظام اسلامی تشکیل می‌گردند نیز رو به سوی آن چشم انداز جهانی دارند و باید بتوانند به آن سو حرکت کنند. و بسیج نیز از این مقوله مستثنا نیست:

«باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است؛ چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (همان، ص ۵۳)

با اندک تأملی در آنچه گذشت به خوبی می‌توان دریافت که مدل حرکت تفکر اسلامی بر مبنای انقلاب اسلامی و سپس به وجود آوردن نظام اسلامی است و برای تحقق آرمانهای خود، به سوی ایجاد دولت اسلامی حرکت می‌کند. دولت اسلامی از آن حیث که وظیفه اصلی و ذاتی‌اش اداره جامعه و نظام اسلامی است، تمام تلاش خود را مصروف مسائل اصلی و اساسی جامعه اسلامی خواهد کرد، ولی این بدان معنا نیست که از اهداف عظیم انقلاب جهانی اسلام غافل شود. اما آیا باید انتظار داشت که تمامی مسئولیتها و وظایف برای رسیدن به یک هدف بزرگ را تنها از طریق دولت و سامانه رسمی تعقیب کرد و آیا اصولاً این امر امکان‌پذیر است؟ از این جهت و از این مرحله چشم به دیگر سرمایه‌های جهان اسلام و کشور اسلامی دوخت و آن چیزی نیست جز «سرمایه اجتماعی اسلام». مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و کشور ما به این حضور مردمی و پرانگیزه و برخاسته از ایمان،

حداکثر نیاز را دارد؛ چون اتکای این نظام به خدا و عوامل الهی است و مهم‌ترین عوامل الهی همین ایمانهای مردمی است؛ «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین». خداوند به پیغمبرش می‌فرماید: خدا تو را به وسیله نصرت خود و به وسیله مؤمنین تأیید کرد؛ یعنی یکی از مظاهر نصرت الهی، اعمال قدرت الهی، نصرت مؤمنین است.»

- «اتکای ما به نیروی درونی ماست که همان ارتباط با خدا و اتکال به خداست؛ متمرکز کردن موهبت‌های الهی در وجود انسانهاست، تا بتوان کارایی آنها را چند برابر کرد. این کار است که امروز برعهده نظام جمهوری اسلامی است. لذا همیشه به بسیج نیاز هست، چه در دورانی که تهدیدی وجود داشته باشد - تهدید سیاسی، اقتصادی و نظامی - و چه در دورانی که تهدیدی وجود نداشته باشد». (مقام معظم رهبری، ۸۷/۲/۱۴) نگارنده نیز بر این باور است که سرمایه اجتماعی اسلام بالاترین سرمایه مکتب اسلام در جهان کنونی و در عصر غیبت امام عصر می‌باشد. اما این سرمایه را چگونه می‌توان فعال کرد و در چه مرحله ای باید از آن کمک گرفت و چگونه باید آن را شکل و سامان داد و به کار گرفت و اداره کرد؟ به عبارت دیگر؛ از تشکیل دولت اسلامی که مرحله سوم نهادینه کردن نظام اسلامی و مرحله واسط برای حرکت به سوی یک کشور اسلامی است که بر مبنای سند چشم انداز به عنوان چراغ راهنمای این حرکت صورت می‌گیرد، نمی‌توان انتظار داشت که به تنهایی به سوی یک هدف بزرگ‌تر و فراگیرتر؛ یعنی ایجاد دنیای اسلامی حرکت کند. روشن است که این دنیا نه براساس یک حکومت زورمدار یا حرکت به سوی آن شکل نمی‌گیرد، بلکه براساس یک تفکر ضد زورمداری و ظلم و براساس فطرت پاک جوامع و سلامت افکار عمومی جهانی شکل خواهد گرفت.

در این مرحله است که تنها سرمایه اجتماعی اسلام؛ یعنی بسیج، با تحولی که باید در آن شکل داد به کمک آمده و در مسیر ایجاد یک کشور اسلامی و سپس مدل کردن آن برای جهان اسلام یاری رسان خواهد بود. این امر چگونه ممکن است؟ آنچه به عنوان یک سیر حرکتی ذکر شد، در ترسیمی که مقام معظم رهبری نیز از سیر حرکت انقلاب اسلامی متذکر گردیدند به خوبی دیده می‌شود؛ ایشان در این مرحله بندی فرمودند:

«فرایند تحقق هدفهای انقلاب اسلامی که یک فرایند طولانی و البته دشواری

است، قدم اولی که پر هیجان تر و پرسر و صداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. قدم بعدی ترتیب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی که گفتیم نظام اسلامی یعنی هندسه عمومی جامعه اسلامی است...
قدم بعدی که از اینها دشوارتر است، ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت... این مرحله سوم است. ما الان در این مرحله قرار گرفته ایم.

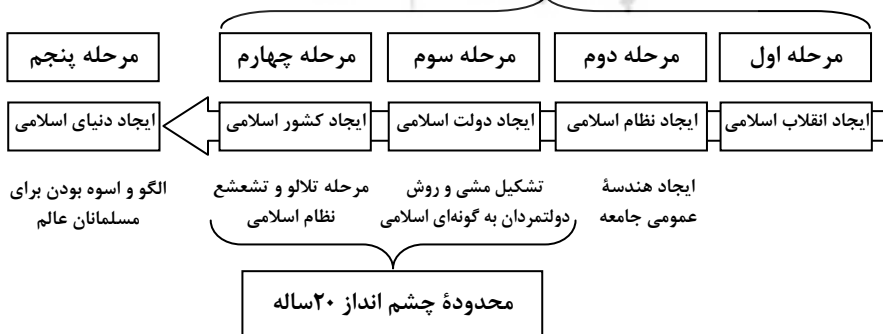
بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن گاه برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می شویم (لتکونوا شهدا علی الناس). اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم... آن گاه مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید، فرایند تحقق نظام اسلامی همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می شود. «مقام معظم رهبری، ۸۰/۹/۲۱»
مدل طراحی شده توسط مقام معظم رهبری نوعی هندسه حرکت امت اسلامی از انقلاب اسلامی به دنیای اسلام را ترسیم می کند. مراحل مقدماتی؛ یعنی انقلاب اسلامی - نظام اسلامی - دولت اسلامی و کشور اسلامی برای رسیدن به ایجاد دنیای اسلامی ترتیب بندی می شوند. به عبارت دیگر؛ هر یک از این مراحل برای رسیدن به مرحله بعدی، یک منزل محسوب می شوند که بدون تحقق آن منازل، تحقق هدف میسر نخواهد شد.

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

فرایند تحقق هدفهای انقلاب اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است که عبارت است از:

مرحله نهایی

مرحله مقدماتی



اما رسیدن به هر یک از این منازل و متحقق کردن آنها به عنوان طی کردن یک استراتژی، نیازمند استراتژی‌های عملیاتی یا تاکتیکی‌های جزئی‌تر است. اکنون که ما در مرحله تشکیل دولت اسلامی به معنای مجموعه کارگزاران حکومت و سامان دادن این مرحله هستیم و در پی ایجاد کشور اسلامی به مثابه الگویی برای ایجاد دنیای اسلامی می‌باشیم، از یک سو باید بتوانیم با به کارگیری سرمایه اجتماعی اسلام در تشکیل دولت اسلامی و توفیق آن نقش ایفا کنیم و از سوی دیگر، خود را برای پذیرش مسئولیت‌های بالاتر به عنوان یک کشور مدل برای جهان اسلام آماده سازیم. اما این امر ممکن نیست مگر آنکه این سرمایه اجتماعی را با دو شاخص ذکر شده توسط مقام معظم رهبری؛ یعنی تشکیل بسیج دهها میلیونی و نوآوری و شکوفایی به شکل گسترده آن به کارگیریم و شکوفا سازیم.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را به نحوی به ارتباطات میان و درون شبکه‌های اجتماعی و در سطوح اقتصادی، رفتارهای سازمانی، علوم سیاسی، بهداشت عمومی و جامعه‌شناسی تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر؛ این مفهوم بر نوعی سرمایه به دست آمده از میان هم‌افزایی‌هایی اجتماعی حاصل از تعامل میان شبکه‌های اجتماعی و اقشار و اصناف جامعه دلالت دارد که می‌توان آن را در سطوح اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به کار گرفت. هرچند این مفهوم بسیار نوپا و جدید است و ادبیات شکل گرفته پیرامون آن نیز تازه در حال رشد و شکوفایی می‌باشد، ولی به خوبی جای خود را در مباحث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باز کرده است. در برخی از آثار فیلسوفان آمریکایی مانند «جان دیوئی» می‌توان ردپایی از این مفهوم را مشاهده کرد، ولی او تعریف روشنی از آن بیان نداشته است (Encyclopedia). برخی دیگر از اندیشمندان کوشیده‌اند تا این مفهوم را به درجه روشنتری بیان کنند؛ برای مثال گفته شده که سرمایه اجتماعی یک هنجار غیررسمی است که همکاری میان دو یا چند تن از افراد را ترویج می‌کند. (Fakuyama, 1999, P. 2) فوکویاما در این تعریف، سرمایه اجتماعی را نوعی

هنجار غیررسمی می‌داند که تعاون و همکاری را در میان تعدادی از افراد یک جامعه متداول می‌کند. این تعریف از آن حیث که سرمایه اجتماعی را به هنجارها تحویل می‌کند، قابل توجه است؛ زیرا این هنجارها می‌توانند نوعی هنجارهای سنتی، مذهبی و یا تجدیدخواهانه باشند. «جیمز کلمن» که اصطلاح سرمایه اجتماعی را در چند سال اخیر وارد ادبیات اجتماعی، سیاسی کرده و آن را به شدت و تکرار بیشتری به کار گرفته است، سرمایه اجتماعی را نوعی کالای عمومی دانسته که توسط عوامل مشخصی در بازار قابل تولید است (Coleman, 1998, P. 120). اما سرمایه اجتماعی بسیار فراگیر تر از این مفاهیم قابل تعریف است؛ به این معنا که می‌تواند به مثابه یک پارامتر تعیین کننده در حوزه استراتژیک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش و کارکرد داشته باشد. از این رو، برخی سرمایه اجتماعی را بسان مفهومی می‌دانند که به یک دارایی بسیار مهم اشاره می‌کند (Draft Discussion Paper, 2003, P.7). بنابر این، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده بخش بسیار مهمی از روابط، هنجارها و تعاملات میان اقشار گوناگون اجتماعی است که می‌تواند نوعی هم‌افزایی انرژی در میان جامعه به وجود آورده و آن را به عنوان یک انرژی انبوه در اختیار به کارگیران آن قرار دهد. بخشی از این سرمایه اجتماعی در جامعه ممکن است معطوف به قشر خاصی در میان نخبگان، دانشجویان، یا کارگران یا کارمندان گردد. اما در صورتی که بتوان آن را در یک قشر وسیع تر و فراگیرتر تعریف کرد، می‌تواند با ایجاد نوعی هم‌افزایی، فارغ از ویژگی‌های صنفی یا قشری با به وجود آوردن یک نظر مشترک و یک هنجار، همه این صنوف و اقشار را دربرگیرد. از این رو، دیگر تنها ضروری نیست که یک سرمایه اجتماعی را با ماهیت جوامع شرکت کننده در آن تعریف کرد، بلکه می‌توان آن را تنها براساس کارکردها تعریف و تبیین کرد. جیمز کلمن می‌گوید:

«سرمایه اجتماعی براساس کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی یک موجودیت مجزا نیست، اما تنوعی از موجودیت است که دارای دو ویژگی مشترک است: آنها همگی ترکیبی از برخی جنبه‌های یک ساختار اجتماعی هستند و اقدامات مشخص افرادی را که درون این ساختار قرار می‌گیرند، تسهیل می‌کنند. مانند دیگر

اشکال سرمایه اجتماعی امری موکد است که دستیابی به اهداف مشخصی را امکان پذیر می سازد که در صورت عدم وجود این سرمایه، دستیابی به آنها امکان پذیر نبود.» (Coleman, 1990, P. 302)

متناسب با آنچه از کلمن ذکر شد، می توان دریافت که سرمایه اجتماعی می تواند به کارکرد هنجاری میان افراد که دارای ترکیبی از برخی جنبه ها در یک ساختار اجتماعی هستند و اقدامات مشخصی که این افراد در این ساختار انجام می دهند، تعریف شود. هرچند این تعریف کارکرد محور است، اما به خوبی جنبه های اقدامی یک سطح از جامعه را بدون در نظر گرفتن ویژگی صنفی یا گروهی آن در بر می گیرد.

در نتیجه می توان گفت که سرمایه اجتماعی، کارکردی ویژه از خود بروز می دهد که این کارکرد، بر ایند هم افزایی اشتراکی ساختاری و ترکیبی از جنبه های یک ساختار اجتماعی که در آنها (یعنی آن جزء) اقدامات مشخص افراد می تواند شکل گرفته، تسهیل شده و تحقق پذیرد. از این رو، اگر بتوان نگاهی به سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی داشت. می توان هم از جنبه ساختاری و هم از جنبه اجرایی، کارکرد آن را تحلیل و تبیین کرد.

بسیج، سرمایه اجتماعی اسلام

به خوبی می توان بسیج را به عنوان سرمایه اجتماعی اسلام در انقلاب اسلامی تصویر و تحلیل کرد. با توجه به آنچه گذشت، به لحاظ نظری بسیج دارای ویژگی های کارکردی یک سرمایه اجتماعی است که می تواند در زمینه معرفتی و کارکردی هندسه حرکت انقلاب اسلامی در هر مقطعی کارکردهای ویژه خویش را دارا باشد. از این رو باید بتوان دو ویژگی تحول بخش را در بسیج مد نظر قرار داد. از آن حیث که این سرمایه اجتماعی می تواند کارکردهای اجتماعی خود را در هنجارهای نوینی که تولید می کند باز آفرینی نماید، همواره می تواند نقش و کارکردهای جدیدی را تعریف و عرضه کند. بسیج به عنوان سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی در نخستین مرحله از انقلاب به صورت حرکت مردمی توانست با حضور همگانی خود انقلاب را به حرکت در آورده و در سریع ترین

مدت زمان قابل تصور، آن را محقق کند. در عرصه تشکیل نظام اسلامی نیز بسیج توانست با حضور در جنگ تحمیلی، در استقرار و تثبیت نظام نقش بسزایی ایفا نماید. اما در مرحله دولت اسلامی، که دولت شکل گرفته در پی اداره جامعه اسلامی و تلاش برای شکل دادن یک کشور اسلامی است، به تحوّل چشمگیر نیاز است تا بتوان بسیج را در این مرحله با مأموریت‌های نوین به عنوان یک سرمایه اجتماعی در اختیار گرفت و از نقش و کارکردهای آن برای تشکیل کشور اسلامی و سپس مدلسازی کشور برای دنیا، بهره‌برداری کرد.

در این مرحله، می‌بایست هنجار اصلی شکل‌گیری بسیج برای ایجاد دولت اسلامی، براساس تحوّل نوین تغییر یابد تا بتوان از نوعی هم‌افزایی نوین در این مسیر بهره برد. در این صورت می‌توان گفت که بسیج به عنوان سرمایه اجتماعی اسلام نقش ایفا می‌کند و می‌تواند در سیر تحوّل انقلاب اسلامی بر دنیای اسلامی، با رویکردهای نوینی که برمی‌گزیند این مسیر را تسهیل کرده و محقق سازد.

ویژگی بسیج به عنوان سرمایه اجتماعی آن است که فارغ از تمامی صنوف، اقشار و جهت‌گیری‌های خاص، تنها با محوریت اسلام و رأفت اسلامی و با جهت‌گیری تکاملی انسان محور در مسیر خداگونگی انسانها، چتری فراگیر و وسیع را تدارک دیده و با دربرگرفتن اقشار گوناگون اجتماع و تخصصهای حرفه‌ای متنوع، نوعی هم‌افزایی انرژی را شکل دهد.

سرمایه اجتماعی نیز امری غیر از این نیست و اگر محوریت اسلام به عنوان مکتبی آزادببخش، رهایی ساز و انسان ساز در متن آن قرار گیرد، بسیج همان سرمایه اجتماعی اسلام خواهد بود که این دربرگیرندگی را در پی خواهد داشت. با این توجه می‌توان نقش و کارکرد این پدیده را بسیار کلیدی و پرتأثیر خواند و اگر بتوان با تحولات نوین در آن، این سرمایه را به نحو صحیح و بهینه به کار گرفت، آن‌گاه کارکردهای بسیاری را می‌توان از آن انتظار داشت که شاید در گامهای اول بسیار بعید به نظر می‌رسید. در سیر تحوّل انقلاب نیز این سرمایه، اصلی‌ترین منبع انرژی برای حرکت در این مسیر است. همان‌گونه که گفته شده در مقطعی هستیم که با به وجود آمدن کشور اسلامی باید برای

ارائه یک مدل برای جهانیان به سمت ایجاد دنیای اسلامی گام برداریم. اگر چنین است که هست، باید بتوانیم این سرمایه را به صورت منظم و منضبط در این مسیر سامان داده و به کارگیری کنیم. بنابراین، نیازمند دو تحوّل هستیم که مقام معظم رهبری در سخنان خویش ذکر فرمودند.

بسیج دهها میلیونی

زمان تشکیل ارتش بیست میلیونی از جانب حضرت امام(ره) متناسب با جمعیت سی و پنج میلیونی روزهای اول انقلاب و شکل‌گیری بسیج در آن زمان، خبر از شرکت دادن قاطبه مردم به خصوص جوانان در امری داشت که می‌توانست در مقطع پایانی انقلاب و آغاز مرحله شکل‌گیری نظام، بسیاری از مشکلات و معضلات نظام را حل کرده و در راه تثبیت آن گامی اساسی به شمار آید. بی‌شک آن تصمیم، تصمیمی استراتژیک، بهنگام و حرکتی جنبش‌آفرین بود که برکات خود را بعدها در جنگ و اداره کشور نشان داد. اما اکنون در مقطعی هستیم که بیش از گذشته به حضور و تلاش و کارکرد بسیج نیازمندیم. با توجه به مشکلات بسیار فرارو و نیز مطالبات عصر جدید از تفکر انقلاب اسلامی، بسیج باید بسیار فراگیرتر و با ابعاد گسترده‌تر به ایفای نقش خود بپردازد. از این رو مقام معظم رهبری در سالگرد تشکیل بسیج در سال ۱۳۸۶، در ترسیمی نوین از نقش و جایگاه بسیج خواهان تشکیل بسیج دهها میلیونی شدند. روشن است که ارتقای ارتش بیست میلیونی، به ارتشی دهها میلیونی تنها با تأکید بر صبغه نظامیگری آن نمی‌تواند تحقق پذیرد.

فرماندهی کل قوا نیز بر این امر تأکید کرده‌اند که بسیج هرگز نباید تنها مأموریت نظامی را وجهه همّت خود قرار دهد و هر جا که حضوری ضروری است و میدانی برای ظهور و بروز وجود دارد، باید بسیج به میدان آمده و خود را نشان دهد. ایشان در بیانی فرموده‌اند:

«بسیج فقط یک نیروی نظامی نیست، فقط برای جنگ که نیست، بسیج برای پر کردن همه خلاءهاست؛ خلاء سیاسی، خلاء اجتماعی، خلاء فکری و عقیدتی یا خلاء نظامی. آن وقتی که لازم بشود همه اینها را باید با هم پیش برد.» (مقام معظم رهبری، دیدار مورخ ۸/۹/۸۴)

این نگرش به بسیج به طور طبیعی به تشکیل بسیجی دهها میلیونی خواهد انجامید. هنگامی که مطالبه از یک نیروی اجتماعی و سرمایه اجتماعی، پرکردن همه خلأهاست، ایجاد بسیج دهها میلیونی نیز پاسخ روشنی به آن است. بدیهی است که این بسیج علی‌رغم ماهیت اسلامی آن، اقشار وسیعی را دربرمی‌گیرد که درون نظام اسلامی و با هدایت دولت اسلامی به معنای هیئت کارگزاران حکومت زندگی می‌کنند. در واقع؛ هرچند با نوعی تفکر دینی و ملی اداره می‌شود، ولی دربرگیرنده اقشار گوناگون اجتماعی است و می‌تواند سرمایه‌ای اجتماعی را برای اسلام شکل دهد که در مرحله بعدی؛ یعنی تشکیل کشور اسلامی، نوعی مدل مشارکت ملی و دینی را ترسیم نماید.

این مرحله از تشکیل بسیج متناسب است با مرحله سوم؛ یعنی ایجاد دولت اسلامی و ورود به مرحله چهارم؛ یعنی ایجاد کشور اسلامی. اما آیا این بدان معناست که تفکر دینی در بسیج کم رنگ‌تر گردیده و نوعی تکنوکراتیسم محل‌گرا جایگزین آن خواهد شد؟ به روشنی پاسخ منفی است. به عبارت دیگر؛ نوعی تفسیر موسع از تفکر دینی و اسلامی که می‌تواند دربرگیرنده و اداره‌کننده یک بسیج فراگیرتر باشد ارائه شده و متناسب با سیر تحول انقلاب اسلامی و در پاسخ به مطالبات نوین، بسیجی متحول ایفا‌کننده نقشهای اساسی بسیج در کشور اسلامی خواهد بود. این بسیج که مأموریت‌های علمی، تخصصی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نظامی را برعهده دارد از همه نیروهای اجتماعی که در تعاملی سازوار با یکدیگر سرمایه اجتماعی اسلام را شکل می‌دهند بهره‌برده و آنها را برای به وجود آوردن دنیای اسلامی مدل می‌کند.

روشن است که چنین حرکت گسترده، عمیق و تاریخی نیازمند نگرش نوین، ابتکارات خلاقانه و شکوفاکردن استعدادها و آمادگی‌های درون جامعه اسلامی است. در واقع؛ دیگر نمی‌توان با نگرشهای کهنه، سنت‌گرایانه یا محض و غیرعملی به بارور کردن چنین بسیجی امیدوار بود و از این مرحله است که به شدت نیازمند تحوّل در اندیشه‌ها و به کارگیری اندیشه‌ها خواهیم بود که تنها با نوآوری و شکوفایی امکان‌پذیر خواهد بود.

نوآوری و شکوفایی

سال ۱۳۸۷ توسط مقام معظم رهبری سال نوآوری و شکوفایی نامیده شده است. اما آنچه در این نامگذاری اهمیت دارد، محتوا و مسمای آن است. نوآوری و شکوفایی در عرصه‌های مختلف حیات بشری هر روز یا هر لحظه در صحنه‌ای از جهان به مدد فیض الهی و با سرچشمه گرفتن از منبع فیض رخ داده و انسانها را با شگفتی‌های نوینی روبه رو می‌سازد. مکاتب الهی به ویژه مکتب اسلام نیز پیوسته این موضوع را از انسانها مطالبه کرده است. هرچند این عنوان برای همین سال در نظر گرفته شده، ولی گویا مطالبه‌ای دائمی از بسیج است. مقام معظم رهبری در بیانی فرموده‌اند:

«تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدانهای تازه زندگی، مطلوب اسلام است. اصلاً اسلام این را از انسان خواسته، این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش علمی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه میدانها و همتها را بلند کردن به دست می‌آید. این کارها مربوط به کیست؟ مربوط به بسیج است. اگر بسیج را درست معنا کنیم، همین است. بسیج همچنین یعنی انسان باهمتی که غیرت دینی و دانایی فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می‌شود». (آیت الله خامنه‌ای، ۸۴/۳/۵)

این سخنان نشان می‌دهد که گویا نوآوری و شکوفایی پیش از آنکه یک نام برای یک سال باشد، برای بسیج هم استراتژی است و هم تاکتیک؛ از یک سو استراتژی و راهبردی اساسی است و از سوی دیگر، تاکتیک حضور در همه میدانهاست که رسالت بسیج است. اما بنا به گفته مقام معظم رهبری این تنها هنگامی محقق می‌شود که بسیج را درست معنا کنیم. ایشان در معنای بسیج، مفهومی بسیار وسیع و فراگیر را به کار گرفته‌اند؛ یعنی انسان با همتی که غیرت دینی، دانایی فکری، نیازشناسی، ابتکار، جوشش ذهنی و خلاقیت دارد. صفات فوق نشانگر آن است که بسیج در صورت قرار گرفتن در مسیر نوآوری و شکوفایی - که اسلام پیوسته از انسانها طلب می‌کند - نخست براساس غیرت دینی خود که برگرفته از ایمان به خداوند متعال و رسالت نبوی است حرکت می‌کند و پس از این مرحله، به سرعت باید در حوزه دانائی فکری وارد گردد. آنچه امروزه به

عنوان حرکت دانایی محور مطرح می‌شود بیشتر در این زمینه قابل تفسیر است. دانش محوری و دانایی محوری^۱ که آخرین مرحله از رشد انسانی در نگرش به علم جدید پس از عصر اطلاعات است، خود بر پایه نگرش به دانش به عنوان محور اصلی شناخت و به کارگیری رهیافتهای نوین مطرح است. دانایی فکری حرکت در مسیر تفکر و انقلابی بسیجی بر پایه دانش محوری است و نتیجه آن به طور طبیعی به سمت و سوی نیازشناسی حرکت می‌کند. این نیازشناسی برای بسیج به معنای شناخت حضور در میدانهای است که خلأ اساسی در آنها وجود دارد. روشن است که برای پرکردن این خلأها پس از شناخت آنها باید بتوان با رویکردی نوین، مشکلاتی را که به وجود آمده یا می‌آید مرتفع کرد. «ابتکار» که از ریشه «بکر»؛ یعنی نو و تازه می‌آید، به معنای نوآوری است؛ یعنی آوردن عنصر «بکر» به صحنه. به سخن دیگر؛ «نوآوری» یا ابتکار که به شدت در گرو جوشش ذهنی است، بدون فعال کردن و به حرکت درآوردن ذهن امکان‌پذیر نیست. ابتکار و جوشش ذهنی به یکدیگر گره خورده‌اند و ابتکار بدون جوشش ذهنی مقدور نیست. بسیج که حضور در میدانهای نوین را باید تجربه کند، بیش از هر سرمایه دیگری به عنصر نوآوری نیازمند است.

نوآوری به معنای پدیدآوردن عنصری جدید در معادلات یا خلق رویکردی نوین در حل مسئله یا ارائه هرگونه فکر نوین است. برخی از دایره المعارفها آن را به «معرفی نوین چیزی» تعریف کرده‌اند. (www.answers.com:innovation) این چیز یا شیء می‌تواند در هر حوزه ای تعریف شود و به عنصر نوینی در آن حیطه مربوط باشد. البته ذکر شده است که این حرکت فکری ضرورتاً یکباره صورت نمی‌گیرد و ممکن است متدرج الوجود شکل گیرد. به عبارت دیگر؛ نوآوری نوعی تغییر در تفکر به نحو اساسی و یکباره یا به شکل تدریجی است. (Encyclopedia ikipedia: innovation)

با این توجه، نوآوری در بسیجی که باید میدانهای نوینی را تجربه کند، یک ضرورت پیوسته است؛ ضرورتی است که با تحقق آن می‌توان بسیج دهها میلیونی را شکوفا کرد. این عنصر می‌تواند در جهت دهی به کشور به عنوان بستر فراگیر بسیج دهها میلیونی نقش

1. Knowledge oriented Approach.

استراتژیک ایفا کند. این معنا در مفهوم بسیج جای دارد؛ آنجا که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«بسیج یعنی به کار انداختن و جهت و سمت و سو دادن به همه نیروهای زنده و شاداب و با نشاط کشور در جهت اهداف والای نظام جمهوری اسلامی که این اهداف شامل علم، سازندگی، کار سیاسی، فعالیتهای اقتصادی و روح و خون گردش کننده در این کالبد؛ یعنی ارزشهای اسلامی است. بنابراین بسیج حد و مرز ندارد و عرض و طول بسیج همان عرض و طول همه کشور است. با این دید باید به بسیج نگاه کرد.» (مقام معظم رهبری، فرمان شماره ۸۷۹۱-۴۰ ف ک - ۸۲/۹/۲۲)

در این بیان، فرمانده کل قوا از یک سو بسیج را معادل کل کشور دانسته اند و از سوی دیگر، ماهیت بسیج را ماهیتی جهت بخش به نیروهای شاداب و سرزنده در حوزه‌های علم، سازندگی، کار سیاسی، فعالیتهای اقتصادی و... برشمرده‌اند. از این جهت، هم تعریفی از این سرمایه اجتماعی اسلام ارائه کرده‌اند و هم حوزه‌های گوناگون فعالیت را صحنه حضور و ظهور بسیج داشته‌اند. با این وصف، نوآوری به عنصری استراتژیک تبدیل می‌شود. نوآوری در بسیج برای حرکت در سیر تحول انقلاب و ایجاد دولت اسلامی به منظور شکل‌گیری کشور اسلامی، مفهومی تحول بخش است. این نوآوری هم در مأموریتها، هم در تاکتیکها و هم در تعامل با حوزه و محیط امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی ضرورت می‌یابد و باید باز تعریف شود.

روشن است که برای ایجاد بسیج دهها میلیونی و به کارگرفتن آن در عرض و طول کشور، باید نگاهی نوآورانه به بسیج عرضه شود. از یکسو باید نوآوری در بسیج مد نظر قرار گیرد و از سوی دیگر، ضرورت نگاه نوین به بسیج، پایه و مایه اصلی بسترسازی برای این نوآوری است. باید تعریف نوینی از کارکردهای بسیج ارائه کرد که صحنه حضور را برای بسیج به صحنه‌ای برای رشد و بروز نوآوری بدل سازد. بازتعریف مأموریتها، حوزه‌های فعالیت، طرح نوین به کارگیری بسیج به عنوان سرمایه اجتماعی اسلام و شکل‌گیری سامانه رشد دهنده نوآوری‌ها در بسیج و ایجاد سیستمهای هدایت‌گر نیروهای شاداب و پرنشاط در سراسر کشور، همه و همه نیازمند نگرشی نوآورانه به بسیج در سال نوآوری و شکوفایی است.

به همان اندازه که نوآوری نگاه به آینده دارد، شکوفایی به تحقق اهدافی مربوط است که تلاشهای فراوانی برای آنها در گذشته روی داده است. به بار نشستن این تلاشها شکوفه‌های امید را در دل مردمان این مرز و بوم شکوفا خواهد کرد. روشن است اگر امروز نوآوری محقق نگردد، برای فردا شکوفایی نیز وجود نخواهد داشت. تلاش برای شکوفا کردن آنچه در بسیج رخ داده و شیرین کردن کام مردم با آنها که در کلام رهبری به چشم می‌خورد، خود نیازمند نوعی نوآوری نوین است.

نتیجه گیری

از آنچه پیش‌تر آمد به خوبی آشکار می‌شود که نوعی هندسه حرکتی برای سیر تحول انقلاب اسلامی به دنیای اسلامی در نگاه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری وجود دارد که هم هر یک از منازل آن و هم تحقق و گذر از آنها ضروری بوده است. نهادهای شکل گرفته که متناسب با این مراحل پدید آمده و هر یک در مراحل گذشته نقشی بسزا ایفا کرده‌اند، برای مرحله دیگر باید نقش و کارکردی استراتژیک داشته باشند. بسیج در شکل گیری انقلاب و در رویارویی با موانع و مشکلات پیش آمده برای انقلاب در مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی نقشی حیاتی و بسزا ایفا کرده و ارتش بیست میلیونی در کشوری با این استعداد و آمادگی، کارکردهای ویژه خود را داشته است.

دو محور تحول‌زا در بسیج در سال ۸۶ و ۸۷ می‌تواند دگرگونی‌های اساسی در بسیج را رقم بزنند که هر دو ناشی از نگرش نوین و نوآورانه مقام معظم رهبری به بسیج است. تشکیل بسیج دهها میلیونی به وسعت تمامی ملت و به عرض و طول تمامی کشور، امری بسیار خطیر و استراتژیک است که تفکر، ساختار، سامانه و تعاریف نوینی را می‌طلبد. حیطة مأموریتی این بسیج بسیار گسترده، متنوع و فراگیر است. این بسیج تنها یک نیروی نظامی را شکل نمی‌دهد، بلکه «سرمایه اجتماعی اسلام» را برای گذر از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی و کشور اسلامی بوجود می‌آورد. این سرمایه از یک سو جهت بخش است و از سوی دیگر باید به کار گرفته شود. برای اداره و هدایت و مدیریت بهینه این سرمایه اجتماعی در سطح دهها میلیونی، نوآوری عنصری ضروری و لازم است؛

نوآوری در نگاه به بسیج و نوآوری در نگاه بسیج به رویدادها، مطالبات و مسائل پیش‌رو. اگر چنین سرمایه‌ای بدون ایجاد بسترهای شکوفاگر استعدادها رها شود، نوآوری‌ها در آن بروز نخواهد کرد. اگر بخواهیم چنین عنصری را درون سامانه‌ای مانند بسیج وارد کنیم، نخست باید نگاه نوآورانه‌ای مانند نگاه رهبری به بسیج بیفکنیم. چنین امری محقق نمی‌گردد مگر آنکه ماهیت این سرمایه اجتماعی را به خوبی شناخته و آن را در مسیر شکوفایی هدایت کنیم. به وجود آوردن میدانهای نوین و وارد کردن بسیج در آنها برای پرکردن خلأهای موجود با به کارگرفتن اندیشه‌های نو و گرایشهای نوآورانه در بسیج و زایش و خلق تفکرات نوین، تنها راه بالندگی و اثربخش بودن این نیروی عظیم و سرمایه بزرگ اسلام است. سرانجام اینکه؛ بسیج تنها و آخرین سرمایه اجتماعی است که از انقلاب اسلامی و امام راحل (ره) به یادگار مانده است. بنابراین لازم است با ارتقای آن به سطح دهها میلیونی و فراگیر کردن آن، به وسعت تمام کشور و شکوفا کردن عنصر نوآوری در آن با نگاهی نوآورانه در حفظ، احیا و نشاط این سرمایه اجتماعی اسلام و شکوفا کردن آن گامی فراتر نهم.

منابع

۱. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۷)، صحیفه نور، سازمان اسناد و مدارک فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲۱.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، دیدار ۸۰/۹/۲۱.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، فرمان شماره ۸۷۹۱-۱/۴۰ ف ک - ۸۲/۹/۲۲.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، دیدار با فرماندهان سپاه و بسیج، ۸۳/۹/۸.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، دیدار با دانشجویان بسیجی، ۸۴/۳/۵.
6. Answers, com; innovation.
7. Coleman, James. "Foundations of Social theory" Cambridge, Harvard university press, 1990.
8. Coleman, James. "Social capital in the creation of human capital" by American journal of Sociology Supplement 1998.
9. Draft Discussion paper "Social capital" October 2003.
10. Francis Fukuyama "Social Capital and Civil Sooty" by: The Institute of public policy oat. 1997.
11. Wikipedia, Encyclopedia; Social Capital.
12. Wikipedia, Encyclopedia: innovation